

دکترین امنیت ملی

دکتر ابراهیم یزدی

www.ketab.ir

یزدی، ابراهیم، ۱۳۱۰ -
دکترین امنیت ملی / ابراهیم یزدی. - تهران:
سرای، ۱۳۸۳.
۵۰۰ ص.؛ جدول.

ISBN 964-7362-47-1

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه به صورت زیر نویس.
نمایه.

۱. امنیت ملی -- ایران. ۲. امنیت ملی.
الف. عنوان.

۹۵۵ / ۰۸۴

DSR ۱۶۵۲ / ۴۸

۸۳-۱۸۳۸۷ م

کتابخانه ملی ایران

نشر سرایی

دکترین امنیت ملی

ابراهیم یزدی

لیتوگرافی و چاپ: هاشمیان

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۴

تیراژ: ۲۲۰۰ نسخه

قیمت: ۳۸۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۷۳۶۲-۴۷-۱

انتشارات سرایی: ۲۰۵۵۴۰۱

ISBN 964-7362-47-1

فهرست

پیشگفتار	۷
مقدمه	۱۳
دکترین امنیت ملی - سیاست مالی خارجی و ماهیت خطرات داخلی تهدید کننده امنیت ملی	۶۳
نفت در جهان اسلام - کنفرانس بین المللی: «پیوستگی اقتصادی جهان اسلام»	۶۰
تحلیل و بررسی سفر مک فارلین به ایران و گزارش کمیسیون تاور	۹۳
گورباچف و پایان جنگ سرد	۱۲۱
تبیین و تدبیر در بحران سه جزیره	۱۲۸
روابط با آمریکا: شیوه و مرجع تصمیم گیری	۱۳۸
فرایند صلح و زمینه های دموکراسی در خاورمیانه	۱۴۳
هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی و پیامد تشکیل آن در تهران	۱۵۴
مطالبات ایران از آمریکا؛ مواضع شفاف می شود	۱۶۳
دیدار گروه گانگیر ایرانی با گروهان آمریکایی	۱۶۹
عصر جدیدی در سیاست های خارجی و داخلی ایران	۱۷۵
روابط ایران و آمریکا در حال و آینده (۱)	۱۸۵
روابط ایران و آمریکا در حال و آینده (۲)	۱۹۵
روابط ایران و آمریکا در حال و آینده (۳)	۲۱۴
سخنان کلینتون گامی لازم به جلو اما غیر کافی	۲۲۴
سیاست خارجی دکتر مصدق: موازنه منفی و بیطرفی مثبت	۲۲۸
اسرائیل و صلح خاورمیانه	۲۳۹
مناظره درباره رابطه با آمریکا	۲۴۱
ایران در قرن بیست و یکم: استمرار و تغییر روابط ایران و آمریکا: چالش ها و فرصت ها	۲۸۶
کشورهای حوزه خلیج فارس و قدرت های خارجی	۲۹۵

۲۹۸	تهدید آمریکا به ایران جدی نیست
۳۰۱	گفته‌ها و ناگفته‌های تصرف سفارت آمریکا
۳۰۸	مذاکره با آمریکا: داستانی دنباله‌دار
۳۲۱	ایران و مناسبات نوین جهانی
۳۳۰	تحلیل انتخابات ۲۰۰۰ آمریکا
۳۴۰	گفتگوی فرهنگ‌ها، همایش گرانا (اسپانیا)
۳۵۱	سخنان بوش و روابط ایران
۳۶۰	ساختار نظام بین الملل و جایگاه آمریکا در آن
۳۶۴	آیا آمریکا به ایران حمله خواهد کرد
۳۷۵	برنامه‌های احتمالی آمریکا در عراق
۳۷۹	تهدیدات جدید آمریکا علیه ایران
۳۸۲	حادثه ۱۱ سپتامبر، آمریکا و جهان اسلام
۳۸۶	ارزیابی سیاست خارجی خاتمی
۳۹۱	معاهدات حقوق بشر و جایگاه ایران
۳۹۳	ناگفته‌های تسخیر سفارت آمریکا از زبان وزیر خارجه دولت موقت
۴۱۵	همه نوع همکاری با آمریکا
۴۱۷	رویدادهای منطقه و امنیت ملی ایران
۴۲۷	آمریکا و قرارداد نفتی ایران و ژاپن
۴۳۰	حاکمیت ملی و حاکمیت ملت
۴۳۴	ایران و فن آوری هسته‌ای
۴۵۳	پایان یک تقابل و زورآزمایی
۴۵۷	بیانیه تهران و پروتکل الحاقی
۴۶۱	اتحادیه اروپا و حقوق بشر
۴۶۵	الگوی چین

پیشگفتار

۱. ایران از موقعیت ژئوپلیتیک ویژه‌ای در خاورمیانه، آسیای مرکزی و دنیای اسلام برخوردار است. ایفای نقشی به تناسب چنین موقعیتی، در راستای مصالح، منافع و امنیت ملی کشورمان، در گرو چند عامل بنیادی است:

اول - تعریف دقیق علمی از مصالح، منافع و امنیت ملی کشورمان و تعیین اولویت‌ها؛
دوم - فهم و درک اوضاع جهان و محورهای اساسی و اولویت‌ها در روابط بین‌المللی، وضعیت خاورمیانه، آسیای مرکزی و دنیای اسلام؛ خصوصاً "در دوران مابعد جنگ سرد؛

سوم - تعریف اهداف کلان ملی و تدوین و تنظیم یک برنامه راهبردی و تعیین سقف و کف انتظارات در روابط بین‌المللی؛

چهارم - کنشگرانی برخوردار از دو ویژگی: یک - مشروعیت قدرت مبتنی بر گزینش آزادانه و عادلانه مردم و دو - مقبولیت عامه ناشی از خدمات مورد نیاز جامعه و کشور بر اساس کاردانی، فرزاندگی و صداقت و پاکدامنی.

۲. اهداف استراتژیک در روابط بین‌المللی، علی‌الاصول حفظ مصالح و امنیت و تأمین منافع حیاتی کشور می‌باشد.

امنیت ملی (National Security) را می‌توان در مفاهیم مقولات زیر تعریف کرد:

اول - حفظ موجودیت و تمامیت ارضی کشور.

دوم - حفظ جان، اعتبار، آزادی و امنیت مردم (نهادهنده شدن حاکمیت ملت).

سوم - نهادهنده شدن مشروعیت نظام حاکم، مبتنی بر اراده ملت در چارچوب قانون اساسی مصوب ملت.

چهارم - حفظ منابع حیاتی کشور و بهره‌برداری بهینه از آنها.

پنجم - کاهش یا فقدان تهدیدهای جدی خارجی نسبت به کیان کشور، منابع و منافع ملی.

اساسی‌ترین بخش از مصالح و امنیت ملی، حفظ موجودیت و تمامیت ارضی کشور است. نفع حیاتی، مصلحت کلان و بی‌چون و چرای کشورمان، در گرو بقای یکپارچگی

ایران است. حفظ دولت‌ها و نظام‌ها، از هر نوع که باشند، فرع بر حفظ تمامیت ارضی کشورمان است. دولت‌ها می‌آیند و می‌روند؛ نظام‌های سیاسی گوناگون، بر این کشور حکومت کرده‌اند و خواهند کرد؛ اما تمامیت ارضی چیزی است که نباید اجازه داد در تحت هیچ شرایطی مخدوش گردد.

تجربه تاریخی نشان می‌دهد که هرگاه بخشی از سرزمین میهنی را از دست داده‌ایم، دیگر موفق به بازپس گرفتن آن نشده‌ایم. در قرن نوزدهم بخش غربی افغانستان فعلی (هرات و قندهار) و جنوب تاجیکستان (بخارا و مرو) و... بخشی از سرزمین ایران بودند و مرزهای شمال شرقی ایران تا مرو و تاشکند ادامه داشته است. کوه‌های شمال قفقاز، مرز شمالی ایران محسوب می‌شدند که آران (آذربایجان)، ارمنستان (ایروان، گنجه) و تفلیس و نخجوان را در بر می‌گرفت. در جنوب، حکام سرزمین‌های سواحل جنوب خلیج فارس توسط ایران منصوب می‌شدند و بحرین و بخش‌هایی از شرق ترکیه جزئی از ایران بزرگ بودند. همه آنها از دست رفتند و شرایط جهانی و موقعیت ملی ایران به گونه‌ای نیست که بتوان برگشت آنها را انتظار داشت.

امنیت ملی، به معنای حفظ تمامیت ارضی کشور از دو ناحیه ممکن است مورد تهدید قرار گیرد. اول از ناحیه یک قدرت نظامی خارجی از میان همسایگان ایران و یا ابر قدرت‌های بیرون از منطقه و یا فعال در منطقه.

خطر و تهدید دوم از درون و در اثر رشد و تعمیق شکاف میان دولت - ملت و زوال تدریجی مشروعیت و اقتدار سیاسی حاکم بر کشورمان است.

در جهان امروز، توسعه سیاسی و نهادینه شدن مردم‌سالاری از پیش شرط‌ها یا پیش نیازهای اجتناب‌ناپذیر حفظ استقلال و تمامیت ارضی است.

امنیت ملی، به معنای «حفظ موجودیت کشور»، در دوران‌های گذشته، معادل برخورداری از آن گونه قدرت نظامی بوده است، که توانایی دفع حمله به کشور را داشته باشد. اما توانایی قدرت نظامی در دفاع از سرزمین در برابر حملات بیگانه، رابطه‌ای تنگاتنگ با رابطه دولت - ملت دارد. اگر دولتی تمامی امکانات نظامی را در اختیار داشته باشد و این امکانات از امکانات دشمن احتمالی به مراتب بیشتر باشد، اما فاقد مشروعیت مردمی باشد، نمی‌تواند از امکانات نظامی برای مقابله با دشمن استفاده کند. عکس آن نیز صادق است. یعنی اگر دشمنی با تجهیزات و امکانات نظامی برتر، به کشوری با امکانات کمتر حمله کند، ولی رابطه دولت - ملت در حد بهینه باشد، مردم و دولت، دست به دست هم می‌دهند و دشمن را بیرون می‌اندازند. در جنگ تحمیلی عراق، این وضعیت به خوبی روشن و بارز بود. مقوله دولت - ملت Nation-State، اگر

چه یک نظریه جدید محسوب می‌شود، اما رابطه دولت و ملت و تأثیر آن در رویدادهای سیاسی و اجتماعی، از جمله دفاع در برابر حمله خارجی، امری قدیمی است. در قرون گذشته، حکومت‌هایی که خود را موظف به حفظ امنیت داخلی و امنیت مرزها و ارایه خدمات به مردم به هنگام حمله یک نیروی خارجی، می‌دانستند، از حمایت‌های مردمی برخوردار بوده‌اند. و بر عکس، هر زمان که پادشاهان و حاکمان، بی‌لیاقت، فاسد و بی‌اعتنا به سرنوشت ملت و مملکت بر سر کار بوده‌اند، قدرت‌های خارجی به سرزمین‌ها و منابع طبیعی ما طمع می‌کرده‌اند.

در اوایل قرن بیستم، فساد حکومت مرکزی ایران، موجب شد که قدرت‌های بزرگ همسایه، چون روسیه تزاری و ابر قدرتی چون انگلیس در صدد تقسیم ایران میان خود برآمدند. اما مقاومت ملی در داخل، آن برنامه‌ها را برهم زد.

در دوران جنگ سرد، تخاصم میان دو بلوک شرق و غرب، تأثیرگذاری اولویت‌های سیاسی در روابط بین‌المللی، به عنوان اصلی‌ترین عامل حفظ تمامیت ارضی کشورمان کارساز بوده است. به عنوان مثال، ارتش شوروی، شش ماه بعد از جنگ جهانی دوم، حاضر به تخلیه استان‌هایی از کشورمان در چارچوب قرار دادهای امضا شده، نشد. و ایران هم از نظر نظامی قادر به دفع این خطر نبود. اما منافع غرب در این بود که تمامیت ارضی ایران حفظ شود. بنابراین اولتیماتوم رئیس‌جمهوری آمریکا، ترومن، به استالین، موجب شد که روس‌ها عقب‌نشینی کنند و ارتش شوروی خاک ایران را ترک نماید. البته قدرت‌های خارجی، گاهی ممکن است در راستای منافع مشترک خود علیه تمامیت ارضی کشوری با هم بسازند. به عنوان مثال، در سال ۱۳۲۹، سه کشور بزرگ آمریکا، شوروی و انگلیس به موجب توافق‌هایی که سران این سه کشور، بعد از جنگ جهانی دوم در مسکو با هم کرده بودند، برای تأمین اهداف خودشان و به وجود آوردن زمینه در جهت ایجاد دولت‌های قومی خود مختار در استان‌های ایران، اجرای طرح «استقلال انجمن‌های ایالتی و ولایتی» را در دستور کار خود قرار دادند. این طرح هنگامی مطرح شد که جنبش ملی، به رهبری دکتر مصدق، به اوج خود رسیده بود. دکتر مصدق با افشای این طرح، که قرار بود رزم آرا آن را به اجرا بگذارد، توانست آن را در نطفه خفه سازد.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، پایان جنگ سرد، روابط بین‌المللی دچار یک دگرگونی اساسی و تاریخی شده است. در دوران جنگ سرد، اولویت‌های سیاسی، تعیین‌کننده بودند. اما اکنون این اولویت‌ها موضوعیت خود را از دست داده‌اند. از جمله این که دیگر ملاحظات بین‌المللی بازدارنده فروپاشی جغرافیایی کشورها،

از جمله ایران، تعیین کننده نمی باشد. از طرف دیگر در کشورهای جهان سوم، عوامل تعیین کننده داخلی نقش اساسی در تقویت و یا تضعیف روند جدایی طلبی پیدا کرده اند. به طوری که مهم ترین عامل مؤثر داخلی در حفظ انسجام و یکپارچگی ملی، ساختارها و وضعیت سیاسی است. در دوران پس از جنگ سرد رابطه مستقیم و تنگاتنگی میان توسعه سیاسی و انسجام ملی به وجود آمده است: اعتبار حاکمیت ملی در قلمرو روابط خارجی، به نهادهای شدن حاکمیت ملت در قلمرو ملی بستگی پیدا کرده است. حفظ امنیت ملی در برابر هر نوع تهدیدات خارجی با استمرار مشروعیت حاکمان رابطه مستقیم دارد.

۳- سیاست خارجی هر کشوری ادامه برنامه ها و سیاست های کلان توسعه ملی و در خدمت تحقق اهداف آن می باشد. به عبارت دیگر، بدون تعریف و تدوین برنامه راه برای توسعه ملی، سیاست خارجی فاقد معنا و مفهوم یا محتوا خواهد بود، یا آنکه به طور دایم دچار سردرگمی، انفعال و روزمرگی خواهد شد.

در جامعه جهانی امروزی، بیش از ۱۹۰ کشور با نظام های سیاسی و اقتصادی، با تاریخ و فرهنگ متنوع و بعضاً متضاد، وجود دارند.

در چنین تنوعی از نظام ها، هر کشوری و هر دولت ملی و متعهد به حقوق ملت خود، قبل از هر چیز با توجه به اولویت های ملی، اهداف و سیاست ها و برنامه های خود را در روابط خارجی تعریف و تدوین می نماید.

این ضرورت از آنجا سرچشمه می گیرد که هیچ دولتی و کشوری، صرف نظر از قدرت و امکاناتی که دارد بی نیاز از همکاری های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با سایر کشورها نمی باشد. همچنین در سیاست خارجی این واقعیت را هم نباید از نظر دور داشت که هیچ دو کشوری را در جهان نمی توان یافت که در تمام مسایل، اهداف و برنامه ها اشتراک و توافق یا تعارض و تناقض همه جانبه داشته باشند. کشورهای جهان در روابط با یکدیگر، هم می توانند در اهداف و برنامه ها نقاط مشترک داشته باشند و هم نقاط تعارض و تضاد منافع.

با توجه به این امر، کشورهای توسعه یافته، به خصوص در نظام های مردم سالار، بر اساس مصالح و منافع و امنیت ملی و همچنین برنامه های کلان ملی و جهانی خود وضعیت، موقعیت و روابط خود را با سایر کشورها در سه محور یا منطقه تعریف می کنند.

محور یا منطقه اول، آن دسته از اهداف، برنامه ها و یا سیاست هایی است که میان دو کشور تعارض و تضاد منافع یا دیدگاه های اساسی در مورد آن ها وجود دارد. که در

واقع خط یا منطقه قرمز، در روابط دو کشور محسوب می‌شوند.

محور یا منطقه دوم، آن دسته از اهداف، برنامه‌ها و سیاست‌ها یا دیدگاههایی است که در هر کشور از اولویت برخوردار هستند، اما هیچ نوع ارتباط با اهداف، و برنامه‌های کشور دیگر، اعم از هماهنگی و همخوانی و همسویی یا تضاد و تعرض منافع مشاهده نمی‌شود. این دسته از موضوعات که در روابط دو کشور بلا موضوع هستند، را می‌توان منطقه سفید تلقی کرد.

محور سوم، اشتراک و همخوانی در اهداف، برنامه‌ها و منافع ملی مستقل هریک از دو کشور، که آن را منطقه سبز می‌توان نامید. در واقع، به رغم تنوع و گوناگونی نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای جهان، و به رغم اختلافاتی که میان منافع و برنامه‌ها و اولویت‌های ملی هر دو کشوری وجود داشته باشد، هیچ دو کشوری را نمی‌توان یافت که در برخی از اهداف و منافع یا دیدگاهها اشتراک و همخوانی نداشته باشند.

مهم‌ترین و اساسی‌ترین وظیفه و نقش اصلی سیاست خارجی هر کشوری، "اولا" - تشخیص و تعریف سه منطقه قرمز، سفید و سبز در روابط آن کشور با هریک از کشورهای جهان می‌باشد. "ثانیا" - جستجو، شناخت و پیگیری عملیات دیپلماتیک برای اجتناب از ورود به قلمرو قرمز از یک طرف و تقویت و گسترش منطقه سبز در روابط خارجی از طرف دیگر است.

نکته مهمی که در روابط بین‌المللی باید در نظر داشت، سیالیت، پویایی و نسبيت در روابط بین‌المللی و راهکارهای دیپلماتیک متأثر از آن می‌باشد. بنابراین در روابط بین‌المللی، دوستی یا دشمنی همیشگی و دائمی میان کشورها، بر اساس ایدئولوژی‌های متضاد و انعطاف‌ناپذیر کارکرد ندارند. مطلق‌بینی و مطلق‌گرایی در سیاست خارجی نه تنها فاقد کارایی است، بلکه مضر و خطرناک برای منافع ملی می‌باشد. در چارچوب منافع ملی، سیاست خارجی باید انعطاف‌پذیر و پویا و نسبی‌گرا باشد.

۴- در تمام کشورهای توسعه یافته، با نظام‌های مردم‌سالار، نهادها و مراکز متنوع قدرتمند، اعم از سیاسی، نظامی و اقتصادی ذی نفع یا ذریع در روابط خارجی وجود دارند. هریک از این نهادها و قدرت‌ها، می‌کوشند تا در رابطه با اولویت‌های خاص خود، بر سیاست خارجی کشور اثرگذار باشند. از آنجا که نمی‌توان اجازه داد روابط بین‌المللی جولانگاه این اولویت‌ها و یا محل تنازع این نهادها و قدرت‌ها گردد، در کشورهای توسعه یافته، نهادها یا مراکز ذی‌نفع را نظیر شورای عالی امنیت ملی با حضور و شرکت تمامی نهادها و قدرت‌های یاد شده، سامان داده‌اند؛ که در آنجا، بعد از تضارب آرا و

عقاید، تصمیمات اساسی در سیاست خارجی اتخاذ می‌گردد. اما به هنگام اجرا فقط یک نهاد، وزارت امور خارجه، نهاد دیپلماسی کشور، به عنوان مسئول، اجرای آن تصمیمات را بر عهده دارد. در کشورهای توسعه نیافته عموماً "اکثراً"، نهادهای متعدد، و بعضاً "در رقابت با یکدیگر، در صحنه‌های بین المللی فعال می‌باشند.

تنوع نهادهای کنشگر در روابط خارجی و پراکنده کاری، در بهترین شرایط، خطرناک و قطعاً "به ضرر منافع ملی، در هر کشوری می‌باشد.

«دکترین امنیت ملی»، مجموعه‌ای که در پیش رو دارید، حاصل کوشش‌های مستمر از طریق مقالات تحلیلی، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها با هدف پاسخ گفتن به پرسش‌های متعدد درباره مسایل اساسی ملی، در راستای مصالح، منافع و امنیت ملی کشورمان می‌باشد.

مقالات و نوشته‌های این مجموعه بر دوگونه‌اند: مقالات و مصاحبه‌هایی که هدفش توضیح مسایل کلیدی است و نوع دیگر، نقد و بررسی رویدادهای کلان ملی و بین المللی.

امید است که صاحب‌نظران با بذل توجه و نقد مطالب بر نویسنده منت گذارند و خوشحالم سازند.

از انتشارات سرایی که در ماتمکده بازار کتاب با شجاعت چاپ این مجموعه را پذیرفته است، صمیمانه تشکر می‌نمایم.

ابراهیم یزدی

اسفند ۸۳